

## ارزیابی میزان اعتبار ترجمه فارسی تاریخ ایران از سرجان ملکم

هادی وکیلی (استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد)

akili۳۵۵@yahoo.com

### چکیده

سرجان ملکم (۱۷۶۹-۱۸۳۳ م.) دیپلمات مشهور انگلیسی و سفیر این کشور در ایران سال‌های آغازین حکومت فتحعلی شاه قاجار بود. او در کنار فعالیت‌های سیاسی و نظامی به تحقیق و سپس تألیف کتاب مهم تاریخ ایران (*The history of Persia*) پرداخت. این کتاب، نخستین اثر مهم غربیان در زمینه تاریخ کامل ایران بود و لذا هم در مغرب زمین مورد توجه بسیار قرار گرفت و هم ترجمه فارسی آن در هند و ایران و پهنه پارسی زبانان. البته از همان آغاز و حتی پیش از انتشار متن فارسی آن، حساسیت‌هایی برانگیخت تا آنجا که برخی را گمان بر این است که این ترجمه مطابقت زیادی با اصل ندارد، بلکه آن چنان ناهمگون است که منجر به بازگرداندن مجدد متن فارسی شده به انگلیسی گردیده است. این نوشتار در پی آن است که ضمن توجه به ملکم و انگیزه او از نوشتن این کتاب، میزان مطابقت ترجمه فارسی را با متن انگلیسی بررسی و ارزیابی کند.

کلیدواژه‌ها: سرجان ملکم، تاریخ ایران، میرزا اسماعیل حیرت.

### معرفی سرجان ملکم

جان ملکم در سال ۱۷۶۹ م. در اسکاتلند متولد شد. پدرش جرج ملکم به کشاورزی اشتغال داشت و جان تحصیلات ابتدایی خود را در همانجا گذراند. در سال ۱۷۸۲ م. وارد خدمت نظام نیروی دریایی هندوستان شد و در ۱۷۹۱ م. در ایالت حیدرآباد به خدمت کمپانی

هند شرقی درآمد.<sup>۱</sup> در همین مکان بود که او به یادگیری زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در زمانی کوتاه بر زبان فارسی تسلطی نسبتاً کامل یافت. ملکم از سال ۱۷۹۲ م. مناصب مهمی را به دست آورد. در همین سال به سبب آشنایی با زبان فارسی به مترجمی هیأت لرد کرن والیس<sup>۲</sup> منصوب شد. اما دو سال بعد به علت کسالت و بیماری مجبور شد هندوستان را به مقصد انگلستان ترک کند.<sup>۳</sup> پس از بازگشت مجدد به هند در سال ۱۷۹۵ م. به عنوان منشی نظامی سرآلورد کلارک<sup>۴</sup> که فرماندهی حکومت مدرس و فرمانداری کل دکن را داشت دو سال کار کرد. در ۱۷۹۸ م. از طرف لرد ولزلی<sup>۵</sup> به عنوان معاون حکومت حیدرآباد منصوب شد. وی سپس به وسیله ولزلی، که سمت مدیریت کل کمپانی هند شرقی را داشت، به عنوان سفیر، انتخاب و در سال‌های ۱۸۰۱-۱۷۹۹ م. / ۱۲۱۴-۱۲۱۶ ق. به دربار فتحعلی شاه قاجار در تهران اعزام شد تا پیمانی علیه ناپلئون بناپارت با دربار ایران منعقد کند.<sup>(۱)</sup> ملکم در سال‌های ۱۸۰۷ م. / ۱۲۲۳ ق. و همچنین ۱۸۱۰ م. / ۱۲۲۵ ق. نیز در رأس هیأت‌های بلند پایه‌ای به دربار ایران آمد. باید خاطر نشان ساخت در زمانی که این سفرها انجام می‌شد، فتحعلی شاه قاجار سال‌های آغازین حکومت خود را تجربه می‌کرد؛ پادشاهی با افق دید رئیس یک ایل، آنهم در شرایطی که در صحنه جهانی ناپلئون بناپارت در اروپا به عنوان امپراتور فرانسه در اوج قدرت و شکوه بود و در نقش بزرگ‌ترین رقیب بین‌المللی انگلیس قصد به دست آوردن سرزمین ثروتمند هندوستان را داشت. دولت بریتانیا با آگاهی از نیت ناپلئون و به سبب هراس از حمله افغان‌ها به هندوستان و در سال‌های بعد با نگرانی نسبت به سیاست روس‌ها مبنی بر پیشروی به سمت آب‌های گرم و اقیانوس هند و همچنین برای تضعیف حکومت ایران، که خود برای هندوستان خطری محسوب می‌شد، دست به کار ایجاد ارتباط و عقد قرار داد با دربار ایران شد و برای

۱ George smith (۱۹۴۸), concise Dictionary of National Biography, london, p.۸۳۰.

۲ Lord cornwallis

۳ Encyclopaedia Britannica (۱۹۶۱), vol. ۱۴, p. ۷۲۵.

۴ Sir Alured Clarke.

۵ Lord welles ley

انجام چنین کار مهمی یکی از قوی‌ترین و زیرک‌ترین رجال سیاسی خود یعنی ملکم را برگزید. البته توضیح و تحلیل سفارت‌های ملکم به دربار ایران و نتایج و پیامدهای این مأموریت‌ها از قلمرو کار این نوشتار بیرون است. اما در یک ارزیابی کلی تقریباً تمام محققان بر موفقیت ملکم در هماهنگ کردن ایران با سیاست‌های دولت بریتانیا و کمپانی هند شرقی اتفاق نظر دارند. کافی است به یاد آوریم که دربار ایران بهترین و عالیترین تشریفات را برای او به جای آورد و فتحعلی شاه نشان‌های "خان" و "سالار" و نشان "شیر و خورشید" را که بالاترین نشان در عصر شاهان قاجار محسوب می‌شد به او ارزانی داشت.<sup>(۲)</sup>

البته باید توجه داشت که فعالیت‌های ملکم در ایران در حد مأموریت سیاسی او خلاصه نمی‌شود. هرچند او شخصیتی سیاسی و نظامی بود، اما اهمیت و ثمرات کارهای دراز مدت فرهنگی و جمع‌آوری اطلاعات مفید را به نیکی می‌دانست. شاید به همین سبب او مدت‌های زیادی از وقت خود را در ایران و خارج از ایران صرف ایران‌شناسی کرد. ملکم در طی چندین ماه اقامت خود در مأموریت نخستش در سال ۱۸۰۰ م. در نامه‌ای از شیراز به پدرش نوشت: «همه ساعات فراغتم را صرف پژوهش درباره این کشور خارق‌العاده می‌کنم که آشنایی ما با آن بسیار اندک است.»<sup>(۳)</sup>

ملکم علاوه بر ایران‌شناسی - و در کنار آن اسلام‌شناسی - توانست راهنما و زمینه‌ساز فعالیت‌های میسیونرهای مسیحی نیز باشد. چنان‌که هنری مارتین<sup>۱</sup> که یکی از مهم‌ترین و پرکارترین مبلغان مسیحی بود با استعانت از ملکم و راهنمایی‌های مستقیم و غیر مستقیم او وارد ایران شد و شروع به کار کرد.<sup>(۴)</sup> ملکم همچنین توانست با آوردن چندین پزشک انگلیسی به ایران از آن‌ها در جهت پیشبرد سیاست‌های دولت متبوعش بهره گیرد.<sup>(۵)</sup>

باری، ملکم در سال‌های ۱۸۰۱-۱۸۰۲ م. منشی مخصوص لرد ولزلی بود و در سال‌های ۱۸۰۳-۱۸۰۴ م. نماینده سیاسی او در جنگ مهراتا<sup>۲</sup> بود.<sup>۳</sup> او در سال ۱۸۰۳ م. به حکومت

۱ Henry martin

۲ Mahratta war

۳ concise dictionary of national Biography p. ۸۳۰

میسور<sup>۱</sup> منصوب شد. پس از مأموریت‌های سال‌های ۱۸۰۸م. و ۱۸۱۰م. در ایران و بعد از بازگشتن از هند به انگلستان در سال ۱۸۱۱م. به لقب "شوالیه"<sup>(۶)</sup> و در سال ۱۸۱۵م. به عنوان "سر"<sup>(۷)</sup> ملقب گشت. در همین سال بود که حاصل تحقیقاتش در مورد ایران را در کتاب دوجلدی *تاریخ ایران*<sup>۳</sup> منتشر ساخت. در ۱۸۱۶م. دانشگاه آکسفورد درجه دکترای حقوق را به منظور قدردانی از تلاش‌های او در راه علم و آگاهی‌هایش به او داد.<sup>(۸)</sup>

ملکم در سال ۱۸۱۷م. از طرف لرد مویرا<sup>۴</sup> نماینده سیاسی او در دکن شد و پیروزی او در مهیدپور<sup>۵</sup> موجب اشتهاار بیش از پیش او شد. او در سال ۱۸۲۰م. مجدداً به انگلستان بازگشت و تا سال ۱۸۲۷م. در آنجا ماند. در این سال به عنوان حاکم بمبئی وارد هند شد. چنین ادعا شده که نفوذ و تأثیر او در مقام جدیدش موجب اصلاحات اقتصادی مختلف و مفید در آنجا شده است.<sup>(۹)</sup> در سال ۱۸۳۰م. برای آخرین بار به انگلستان بازگشت و در آنجا به عضویت پارلمان انگلستان انتخاب شد. سرانجام ملکم در ۳۰ ماه می ۱۸۳۳م. در ۶۴ سالگی در لندن درگذشت.

جان ملکم گذشته از تاریخ ایران مورد بحث ما در این مقاله، کتاب‌های دیگری هم تألیف کرده است. *دایره المعارف بریتانیکا* این آثار را از وی نام برده است:

۱- *Persia, a poem, anonymous* (۱۸۱۴)

۲- *A Memoir of central India* (۲ vols.) (۱۸۲۳)

۳- *Sketches of Persia, anonymous* (۱۸۲۷)

۴- *Life of rotort. Lord Clive* (A posthumous work, appeared in ۱۸۳۶)

۵- *Sketches of the political History of India Since ۱۷۸۴* (in ۱۸۱۱ and ۱۸۲۶)

۶- *Sketches of the Sikhs* (۱۸۱۲)

۱ Mysore

۲ Encyclopaedia Britanica vol ۱۴. P. ۷۲۵.

۳ The History of persia

۴ Lord Moira

۵ Mehid pur

۶ Encyclopaedia Britannica. Vol. ۱۴. p. ۷۲۵.

v- *Observations on the disturbances in the Madras Army in 1809* (۱۸۱۲)

## معرفی اجمالی کتاب تاریخ ایران

کتاب *تاریخ ایران* به وسیله سرجان ملکم در دو جلد نوشته شد و در سال ۱۸۱۵ میلادی در لندن منتشر گردید. مدتی پس از انتشار، ترجمه‌هایی از آن هم به چاپ رسید. از جمله ترجمه فرانسوی آن<sup>۱</sup> و همچنین ترجمه فارسی آن که توسط میرزا اسماعیل حیرت برگردانیده شده بود. این ترجمه فارسی توسط شخصی به نام محمدعلی شیرازی مشهور به کشکول، به خط نستعلیق و با چاپ سنگی در یک مجلد به سال ۱۳۰۳ هـ ق / ۱۸۸۶ م. در چاپخانه دت پرسلت بمبئی به چاپ رسید.

در سال ۱۳۲۳ هـ ق / ۱۹۰۵ م. / ۱۲۸۴ ش. به اهتمام علی‌رضا ضیاء‌الادبا فرزند ابوالحسن شیرازی چاپ دیگری از این کتاب - البته باز هم به خط نستعلیق و چاپ سنگی - در چاپخانه ناصری بمبئی به طبع رسیده که همراه با مقدمه‌ای در دو صفحه از شیخ محمد اصفهانی بود. از روی همین نسخه است که در سال‌های اخیر در تهران دو چاپ با کمی اختلافات مختصر ظاهری به بازار کتاب عرضه شده است.

در سال ۱۳۶۲ شمسی انتشارات دنیای کتاب تهران مبادرت به افست همان نسخه مطبوع سال ۱۳۲۳ ق. بمبئی نمود، که همچون همان چاپ، دو جلد در یک مجلد گنجانیده شد. جلد اول ۳۰۷ صفحه و جلد دوم ۳۲۴ صفحه دارد. کتاب دارای یک فهرست کلی است و مصور به صورت رجال مملکتی و مناطق تاریخ ایران می‌باشد.<sup>(۱)</sup> متأسفانه این چاپ فاقد مقدمه یا دیباچه و یا هرگونه توضیحی در مورد کتاب، مؤلف و مترجم آن است.

۱ Malcolm, sir john: *Histoire de la perse depuis les temps les plus anciens jusqu' a l' époque actuelle*; pillet Ain e', paris, ۱۸۲۱, ۴ vol.

اما در زمستان همین سال - ۱۳۶۲ - انتشارات فرهنگسرا (یساولی) تهران، توانست چاپ بهتری از این کتاب را ارائه دهد. در این چاپ کتاب، با مقدمه‌ای سی صفحه‌ای در معرفی مؤلف و مترجم آغاز می‌شود،<sup>(۱۱)</sup> و پس از "دیباچه" دو صفحه‌ای که توسط شیخ محمد اصفهانی تحریر شده مجموع دو جلد کتاب در ۶۴۶ صفحه آمده است. تصاویر متن کتاب به آخر انتقال یافته (صفحات ۶۷۲-۶۴۹) و علاوه بر فهرست موضوعی ابتدای کتاب دو فهرست نام کسان (صفحات ۷۰۰-۶۷۴) و نام اماکن (۷۱۷-۷۰۱) نیز اضافه شده که تا حد زیادی بر کیفیت کتاب افزوده است. در پایان نام کتاب‌هایی که در جلد اول و دوم کتاب از آن‌ها ذکری به میان آمده نیز آورده شده است. خط نستعلیق زیبای این چاپ هم توانسته به آن بعد هنری خاصی نیز ببخشد که قابل تقدیر است.

به هر حال، آنچه که در این نوشتار برای ما اهمیت دارد محتوی و متن کتاب است که البته در تمامی نسخ و چاپ‌ها یکسان است. در اینجا به طور اجمال، به کلیات مطالب کتاب اشاره‌ای می‌کنیم:

مجموع دو جلد کتاب، دارای بیست و شش باب است. جلد اول شامل پانزده باب می‌باشد که با تاریخ سلسله‌های باستانی (و کمابیش اساطیری و افسانه‌ای) همچون مهابادیان و پیشدادیان آغاز و به ذکر "دخول محمود به اصفهان" اختتام می‌یابد. ضمناً باب اول کتاب به "بیان حدود ایران و وضع هوا، جبال، کویرها و نهرها و معادن و نباتات ایران" اختصاص یافته است.

در ادامه جلد اول، جلد دوم کتاب در یازده باب (از باب شانزدهم تا باب بیست و ششم) تنظیم شده است که بابهای شانزدهم تا بیست و دوم آن شامل تاریخ ایران از زمان سلطنت محمود افغان در ایران تا زمان خود مؤلف یعنی مقارن با سلطنت فتحعلی شاه قاجار (و تقریباً تا حدود سال ۱۸۱۰ م. / ۱۲۲۵ ق.) است. باب بیست و دوم کتاب به "بیان مذهب و شریعت اهالی ایران" پرداخته و باب بیست و سوم در مورد "حالات علما، تجار، سلاطین و وزرا و وضع قضایی، مالی و نظامی کشور" می‌باشد. در باب بیست و چهارم، مطالبی در مورد "آب و هوا،

شهرها، راهها، رودخانه‌ها، صنایع، علوم و هنرها" گنجانیده شده است. باب بیست و پنجم شامل "وضع زندگی شاهان و امرا"، عادات و رسوم اهالی ایران، شیوه ازدواج و وضع لباس، مراسم عزاداری و اوضاع ایلیات" می‌باشد. سرانجام کتاب با باب بیست و ششم که به بیان "وضع کلی مملکت ایران، استقلال و استبداد شاهان، صفات و فضایل اهالی ایران و شاهزادگان و وزراء و حکام و ملاحظات عمومی در باب کلیه ایرانیان" اختصاص یافته است پایان می‌یابد.

#### معرفی مترجم<sup>(۱۲)</sup>

کتاب *تاریخ ایران* سرجان ملکم، برای نخستین بار توسط میرزا اسماعیل حیرت ادیب و معلم ایرانی ساکن هندوستان در سال ۱۲۸۷ هـ.ق / ۱۲۴۹ ش / ۱۸۷۰ م. در بمبئی به فارسی برگردانیده شد و پس از بررسی کتاب از طرف حکومت انگلستان در بمبئی به چاپ رسید.<sup>(۱۳)</sup> میرزا اسماعیل حیرت - که حیرت تخلص شعری او بوده - در سال ۱۲۵۲ ق / ۱۲۱۵ ش / ۱۸۳۶ م. در تهران تولد یافت. وی پس از پایان تحصیلات در ایران، ظاهراً به قصد زیارت حرمین شریفین به عدن حرکت کرد و مدتی را در آنجا سپری نمود. اما در شهر عدن به اتهام جاسوسی برای روسیه دستگیر شد و با دسته‌ای از عساکر انگلیسی به بمبئی فرستاده شد و از آن زمان تا آخر عمر، زندگی را در هند سپری کرد.

میرزا حیرت در هند چند سالی را در اطراف دکن و گجرات و سند به سیاحت پرداخت و ضمناً به تحصیل زبان انگلیسی هم مشغول شد و در اندک زمانی احاطه کامل بر لغات و اصطلاحات زبان و ادبیات انگلیسی به دست آورد. در همان اوقات از جانب دولت انگلیس در منصب پیشکاری اداره تلگراف خلیج فارس و بعد از چندی به عنوان مترجم زبان فارسی در دفتر خانه دیوانی بمبئی برگزیده شد.

در همین زمان بود که به موجب درخواست سرهنگ گلداسمیت، حاکم بمبئی، هر دو جلد کتاب *تاریخ ایران* را که تألیف سرجان ملکم است از انگلیسی به زبان فارسی برگردانید. میرزا

حیرت در سال ۱۸۷۲ م. / ۱۲۸۹ ق. در دارالفنون کالج بمبئی در مدرسه بزرگ دولتی آنجا بر مسند تدریس زبان فارسی نشست و بیست و شش سال بقیه عمر خود را در آن شغل گذراند. سرانجام وی در یازدهم اکتبر سال ۱۸۹۸ م. (۲۴ جمادی الاول ۱۳۱۶ هـ. ق.) در گذشت و در قبرستان مغولیه که در سمت غربی شهر بمبئی واقع است مدفون شد. مدرسی چهاردهی نقل کرده است که: «آن مرحوم در مرض موت تمامی مملکات خود را وقف تعلیم اطفال مسلمانان نمودند و به موجب وصیت آن جناب انجمن اسلام بمبئی مداخل آن املاک را که سالی تخمیناً به ششصد روپیه می‌رسد، در مدد معاش طلاب مسلمین دارالفنون بمبئی صرف می‌کنند»<sup>(۱۴)</sup>. از میرزای حیرت دیوانی از اشعار (که بیشتر در مایه غزل است) به جای مانده که در بمبئی به چاپ رسیده است.

#### مقایسه متن فارسی و انگلیسی کتاب<sup>(۱۵)</sup>

در این بخش سعی داریم با مقایسه میان متن اصلی کتاب ملکم و ترجمه میرزا اسماعیل حیرت میزان همخوانی و تطبیق آن دو را بررسی کنیم. ترجمه فارسی نیز همچون متن انگلیسی در دو جلد ترجمه شده است. جلد اول متن انگلیسی ۶۴۴ صفحه و جلد دوم ۷۱۵ (=۶۳۸+۷۷) صفحه می‌باشد. جلد نخست متن فارسی ۳۵۷ صفحه و جلد دوم ۳۲۴ صفحه دارد که البته علت اصلی کمی اوراق متن فارسی، فشرده بودن عبارات و سطور آن است. روش تطبیق طبعاً مقایسه کلمه به کلمه دو متن از آغاز تا پایان نبوده است. بلکه سعی شده است در هر باب از کتاب چند پاراگراف و چند عبارت و جمله، از آغاز، وسط، پایان و به گونه تصادفی random از دیگر صفحات دو اثر مورد مقایسه و مطابقت قرار گیرد؛ به گونه‌ای که بتواند با کمترین ضریب خطا میزان همخوانی و تطابق دو متن را نشان دهد. اینک به مقایسه مختصر فصل به فصل دو متن می‌پردازیم:



## جلد اول

**باب اول:** (۷-۲/ ۱-۶) <sup>(۱۶)</sup> عنوان باب دقیق ترجمه شده است. متن فصل هم تقریباً به طور کامل ترجمه گردیده و کاستی یا اضافات خاصی ندارد.

**باب دوم:** (۷-۹/ ۷-۱۱)

۱- عنوان باب، دقیق ترجمه شده است.

۲- پاراگراف اول (P.۷) که حدود یک صفحه است ترجمه نشده است.

۳- پاراگراف دوم به بعد تقریباً دقیق ترجمه شده، اما جالب است که جمله‌ای در متن انگلیسی چنین آمده: (p. ۷-۸) *Kaiomurs is considered the first king of the country* که حیرت بجای آن این بیت شاهنامه را آورده:

نخستین خدیوی که کشور گشود سر پادشاهان کیومرث بود (ص ۷)

۴- ادامه باب تا جمله آخر با دقت ترجمه شده است.

**باب سوم:** (۱۶-۳۰/ ۹-۱۲) این باب از آغاز تا پایان به طور کامل ترجمه شده است. نکته مهم این که در متن انگلیسی پاورقی‌های زیادی وجود دارد که حیرت عمدتاً آن‌ها را به اصل متن افزوده است. (مثلاً: P.۳۰) البته گاهی مترجم پاورقی را به طور کامل وارد متن کرده (مثلاً ۲۷۷-۸۹-۸۷ p) و گاهی خلاصه پاورقی را آورده است (مثلاً ۲۵). همچنین گاهی ملکم منبع خود را در پاورقی آورده که حیرت آن را به متن افزوده است. (مثلاً: P.۳۱).

**باب چهارم:** (۳۴-۱۶/ ۷۴-۳۱) با دقت از اول تا آخر ترجمه شده است. حتی تشبیه آخر باب را هم عیناً ترجمه کرده است.

**باب پنجم:** (۴۰-۳۴/ ۸۸-۷۵) جمله آغاز فصل دقیق برگردانیده شده، اما جمله دوم (حدود سه سطر) ترجمه نشده است. بقیه فصل به همراه پاورقی‌ها ترجمه شده است.

**باب ششم:** (۸۱-۴۰/ ۱۷۹-۸۹) این فصل با دقت برگردانیده شده است.

**باب هفتم:** (۱۲۴-۸۲/ ۲۷۴-۱۸۰) در مجموع این باب دقیق ترجمه شده است.

اما در صفحات ۹-۲۴۸، ۲۲۰، ۲۱۰ مترجم جدول‌های کرونولوژی سلسله‌های اساطیری و تاریخی ایران و مقایسه نظرات مورخین گوناگون ایرانی عربی و یونانی را حذف کرده است.

باب هشتم: (۱۴۳-۱۲۴/۳۱۳-۲۷۵)

۱- عنوان فصل رعایت شده به جز کلمه petty Dynasties (سلسله‌های فرعی (کوچک)) که قبل از نام صفاریه می‌باشد.

۲- دو صفحه اول فصل (۶-۲۷۵-P) ترجمه نشده است.

۳- تقریباً تا آخر فصل با دقت ترجمه شده است.

باب نهم: (۱۶۰-۱۴۳/۳۴۷-۳۱۳)

۱- اولین پاراگراف که بیش از یک صفحه است ترجمه نشده است.

۲- چند سطر آخر فصل هم ترجمه نشده، اما جدول ارائه شده در ص ۳۴۶ بدون سال‌های میلادی ذکر شده است.

۳- بقیه فصل به دقت ترجمه شده است.

باب دهم: (۱۷۵-۱۶۰ / ۱۶۰-۳۸۱ / ۳۴۸-۳۸۱)

چهار صفحه اول فصل ترجمه نشده است، اما ادامه آن نسبتاً دقیق ترجمه گردیده است.

باب یازدهم: (۱۸۸ / ۱۷۵ / ۴۰۸-۳۸۲)

در مجموع فصل دقیق و کامل ترجمه شده، اما بعضی جملات خلاصه شده است.

باب دوازدهم: (۲۰۸ / ۱۸۸ / ۴۴۸-۴۰۹)

۱- چهار سطر اول باب ترجمه نشده است.

۲- در پاورقی صفحات ۱۷-۴۱۵ مولف اشعاری را از یک شاعر انگلیسی درباره چنگیز آورده که به متن فارسی انتقال نیافته است.

۳- پس از صفحه ۴۲۲ تصویر زیبایی از شهر مراغه چاپ شده که در متن فارسی نیست.

۴- اما در مجموع دقت در ترجمه این فصل مراعات شده است.

باب سیزدهم: (۲۳۳-۲۰۸ / ۴۹۴-۴۴۹)

- ۱- عنوان فصل در ترجمه آمده: "در باب صادرات افعال و واردات احوال امیر تیمور گورگان" که در متن انگلیسی فقط آمده: *The history of timour....*
- ۲- دو سطر اول باب ترجمه نشده که ترجمه آن چنین است: "امیر تیمور در اروپا به خاطر نامش، تیمور لنگ، مشهورترین است." ظاهراً از نظر حیرت اشاره به نگاه اروپائیان در مورد شرق جالب و لازم نبوده تا در یک متن تاریخی بیاید.
- ۳- پاورقی نسبتاً مفصل صفحه اول به طور کامل ترجمه شده است.
- ۴- عکس تیمورلنگ در متن فارسی وجود دارد که در متن انگلیسی نیست.
- ۵- در مجموع فصل دقیق ترجمه شده، اما هفت هشت سطر پایان فصل ترجمه نشده است.
- باب چهاردهم: (۲۷۰-۲۳۳/۵۶۷-۴۹۴)**
- ۱- آغاز فصل نسبتاً دقیق ترجمه شده، اما پاورقی‌ها قدری مجمل شده است.
- ۲- در مواردی که ملکم منابعش را ذکر کرده، در ترجمه هم نام منبع آمده است.
- ۳- هر دو متن در این باب، تصویر شاه طهماسب و شاه عباس را آورده‌اند. اما در پائین عکس شاه عباس، در متن فارسی آمده: "تصویر شاه عباس ثانی صفوی" و در متن انگلیسی نوشته شده: *Shah Abbas the great* (شاه عباس کبیر) که ظاهراً در متن فارسی اشتباهی رخ داده است.
- ۴- بیش از یک صفحه از آخر باب که سخنان کلی و تحلیلی در مورد شاه عباس است ترجمه نشده است. ظاهراً مترجم به نقل حوادث و تاریخ نقلی بیشتر علاقه داشته تا به تحلیل آن‌ها و بنابراین تحلیل‌ها را که گاه مواضع و دیدگاه‌های اروپایی‌هاست ترجمه نکرده است.
- ۵- جمله آخر فصل جالب است. "و کسی از حقیقت حال به جز ذات ذوالجلال آگاه نیست و هواعلم بحقایق الامور." (ص ۲۷۰) اینها البته اضافات مترجم است که مرسوم نویسندگان مسلمان بوده است.

**باب پانزدهم: (۳۰۷-۲۷۱/۶۴۴-۵۶۸)**

در عنوان، باب مترجم عبارت " و فتح مملکت ایران به دست لشکر افغان " را افزوده است. در مجموع این باب با دقت ترجمه شده، اما جملات پایانی آن به اجمال بازگردانیده شده است. در پایان باب پانزدهم که فصل پایانی جلد نخست دو متن است، مترجم نوشته: "تمام شد جلد اول تاریخ ایران تألیف نواب مستطاب سرجان ملکم، سفیر دولت بهیه انگلیس ترجمه جناب فضایل مآب آقا میرزا اسمعیل المتخلص به حیرت در بندر معموره بمبئی، کتبه سنه ۱۳۲۳" (ص ۳۰۷)

### جلد دوم

#### باب شانزدهم: (۲۳-۱ / ۴۳-۱)

- ۱- عنوان و صفحات نخستین متن دقیق برگردانده شده است.
- ۲- در متن انگلیسی در حاشیه هر صفحه اشاره به محتوای متن شده که این کار در ترجمه به ندرت رعایت شده است.
- ۳- در بحث مرگ نصرالله خان گبر (ص ۸ / P.۱۲) مترجم مطلبی را در مورد مراسم عزاداری او، در حاشیه آورده که در متن اصلی داخل متن است.
- ۴- در این باب، ملکم مکرر در پاورقی اشاره به کتاب خاطرات کروسینسکی دارد که حیرت نامی از این منبع نمی برد.
- ۵- در صفحه ۴۲ ملکم می نویسد: در حمله افغانه نزدیک به یک میلیون نفر ایرانی کشته شدند، در حالی که در ترجمه آمده: "چهار کروور خلق ایران تلف گشت" (ص ۲۳) این مسئله را یا باید به حساب خطای حیرت گذاشت و یا دست بردن انگلیسی ها در متن ترجمه برای اینکه کینه ایرانیان از افغانه را تشدید نماید و اختلاف و نفرت بین افغانه و ایرانیان به پا کند، که با توجه به شرایط عصر تألیف کتاب بعید نمی نماید.

#### باب هفدهم: (۶۰-۲۴ / ۱۱۴-۴۴)

- ۱- دو صفحه اول باب ترجمه نشده است. اما از پاراگراف آخر صفحه دوم تا پایان متن تقریباً دقیق ترجمه شده است.

۲- پاورقی مفصل صفحه دوم به طور کلی - نه دقیق - ترجمه شده است. این پاورقی در مورد گذشته نادرشاه و اجدادش می‌باشد که منبع مؤلف تاریخ میرزا مهدی است که در ترجمه هم به آن اشاره شده است.

۳- ملکم از سرویلیام جونز<sup>۱</sup> هم مطالبی را نقل کرده که در ترجمه به وی اشاره نشده است.

۴- بعد از صفحه ۳۷ در متن فارسی "شبهه بابر پادشاه سر سلسله سلاطین دهلی" آمده که در متن انگلیسی نیست.

#### باب هیجدهم: (۸۰-۶۰ / ۱۵۲-۱۱۵)

۱- پاراگراف اول که حدود یک صفحه است ترجمه نشده است؛ باز ظاهراً به این دلیل که مروری بر گذشته و تحلیل و تفسیر است نه عین نقل حوادث. بنابراین از جایی که نقل حوادث شروع شده حیرت ترجمه کرده است.

۲- در بخش پایانی فصل هم حدود یک و نیم صفحه آخر ترجمه نشده که باز حاوی تحلیل اوضاع و احوال و مواضع کریم خان است.

۳- مترجم این باب را به پایان می‌برد با اضافه کردن این شعر بر متن که:

زنده است نام فرخ نوشیروان هنوز      گرچه بسی گذشت که نوشیروان نماند

#### باب نوزدهم: (۱۰۶-۸۰ / ۲۰۲-۱۵۳)

۱- در ترجمه صفحه اول و تا حدی صفحه دوم، اجمال به کار رفته، ولی به تدریج ترجمه دقیق شده است.

۲- یکی از منابع ملکم، "تاریخ خاندان زند علیرضا" است (پاورقی صفحه ۱۵۵) که مترجم هم از آن یاد می‌کند (ص ۸۱).

۳- سطور پایانی فصل هم به تدریج به اجمال ترجمه شده و چند سطر آخر ترجمه نشده است.

<sup>۱</sup> Sir William Jones

## باب بیستم: (۱۴۲-۱۰۶ / ۲۶۱-۲۰۳)

- ۱- از اولین جمله باب تا پایان، دقت در ترجمه رعایت شده است.
- ۲- بعد از صفحه ۱۰۹ و ۱۱۷ فارسی "دورنمای شهر مراغه آذربایجان" و "دورنمای شهر ارومیه و سواحل دریای آن" انداخته شده که در متن انگلیسی نیست.
- ۳- در پاراگراف صفحه ۲۶۱ انگلیسی آمده:

"... and round it was inscribed the following sentence: "Power and dignity, when founded on justice, are from God; when not, from the Devil."

که در ترجمه آمده: "بر دور آن (مهربگی جان) این عبارت ثبت بود که القدره و العزه ان کانتا علی العدل فمن الله و الا فمن الشيطان" که این ترجمه هم دقت مترجم و هم مهارت و تسلط او را بر تاریخ و ادبیات فارسی و ادبیات عربی می‌رساند.

## باب بیست و یکم: (۱۶۷-۱۴۲ / ۳۱۸-۲۶۲)

- ۱- پاراگراف اول ترجمه نشده است.
- ۲- در حاشیه صفحه اول متن فارسی این باب نوشته شده: "مؤلف در اوایل عهد فتحعلیشاه از دولت انگریز مأمور به سفارت ایران شد. لهذا وقایع تاریخیه تا آن زمان اختتام یافته است. چند فصلی در رسوم و قوانین و مذهب اهالی ملک نوشته کتاب اختتام می‌یابد." (ص ۱۴۲) در متن انگلیسی اشاره‌ای به این مسئله نیست.

۳- در مجموع این باب با دقت ترجمه شده و مترجم از پاورقی‌ها هم استفاده کرده است.

## باب بیست و دوم: (۲۱۷-۱۶۸ / ۴۲۶-۳۱۹)

- ۱- این باب در مجموع دقیق ترجمه شده است. جالب آنکه هر جا ملکم اشاره‌ای به آیه‌ای از قرآن کرده و محتوای آن را نوشته، حیرت عین آیه (و ترجمه فارسی آن را) آورده که نشان‌دهنده مهارت و تسلط مترجم است.

۲- برخی پاورقی‌ها ترجمه نشده، از جمله پاورقی صفحه ۳۲۰ که ترجمه آن چنین است: "[پیامبر اسلام] تا سال سیزدهم رسالتش، دکترین "قانون زور" را تبلیغ نکرد. او در تمام سخنان منتشر شده در مکه ابراز می‌دارد که برای انتشار دین، از ابزار دیگری استفاده نخواهد

کرد. قانون مربوط به قتل کفار که در فصل ۴۷ پیروان مذهب حنفی آمده، در ارتباط خاص با جنگ بدر می‌باشد که این البته مورد قبول همه مسلمین نیست." ۳- قسمت‌های دیگر فصل به ویژه پایان آن با دقت ترجمه شده است.

#### باب بیست و سوم: (۲۵۲-۲۱۷ / ۵۰۳-۴۲۷)

۱- در مجموع این باب به دقت بازگردانیده شده است، البته برخی پاورقی‌ها ترجمه نشده است.

۲- در صفحه ۴۲۷ ملکم به سفرنامه کمپفر اشاره کرده که در ترجمه نیامده است.

۳- در ترجمه چهار تصویر آمده که در متن انگلیسی نیست: "تصویر ایللیات قشقای در فارس، دورنمای کوه دماوند، دورنمای قلعه یزدخواست، فتحعلیشاه قاجار."

#### باب بیست و چهارم: (۲۷۷-۲۵۹ / ۵۰۴-۵۰۳)

۱- ترجمه عنوان باب و متن آن دقیق و منطبق با متن اصلی است.

۲- تصویر "پل قزل اوزان در خاک خمسه" در هر دو متن آمده اما "شبه شاهزاده عباس میرزا ولیعهد فتحعلیشاه قاجار" تنها در متن فارسی آمده است. همچنین چهار تصویر: "چهارباغ اصفهان"، "بنایی در اصفهان" "آرامگاه ابوعلی سینا" و "آرامگاه استرومرد خای" تنها در متن انگلیسی آمده است.

۳- در صفحه ۵۰۵ مولف در پاورقی جدول بزرگی را به نقل از ۱۸۰۳ Mr. Jukes ارائه کرده که در آن اطلاعات و آمار دقیق مربوط به دمای هوا در ساعات مختلف ایام و ماه‌های سال در مورد شهر بوشهر نوشته شده است. این جدول در ترجمه فارسی نیامده است. همین وضعیت در مورد توضیحات مفصل صفحه ۵۰۹ در مورد دمای هوای تهران مصداق دارد. ظاهراً چون ایرانی‌ها علم دمای هوا و دماسنج نداشته‌اند و نمی‌دانسته‌اند، حیرت این مطالب را زاید دانسته و ترجمه نکرده است (البته توجه داشته باشیم که حیرت کتاب را حدود پنجاه سال پس از چاپ انگلیسی آن، ترجمه کرده است.).

ملکم همچنین گاهی اشاره به اطلاعات شخصی خود در پاورقی‌ها می‌کند که ترجمه نشده است. (همچون دمای هوا در صفحه ۵۰۹) اما در پاورقی همین صفحه ملکم از قول Mr. Campbell سخنی نقل می‌کند که حیرت آن را به متن افزوده است.

۴- مترجم باب را با این جمله اضافی به پایان می‌برد: والله اعلم

باب بیستم و پنجم: (۳۱۴- ۲۷۸ / ۶۲۰-۵۴۴)

۱- در متن انگلیسی دو عکس: "از یکی از قبایل" و "از عشایر کردستان" آمده که در متن فارسی نیست.

۲- حدود یک و نیم صفحه آخر باب ترجمه نشده است.

باب بیست و ششم: (۳۲۳-۳۱۴/۳۱۸-۶۲۱)

این فصل در مجموع دقیق و کامل ترجمه شده است.

متن انگلیسی کتاب فهرست اعلام (Index) دارد (۷۱۵-۶۳۹) که در متن فارسی وجود ندارد.

در پایان تحت عنوان "خاتمه کتاب" آمده است: "تمت الكتاب بعون الله الملك الوهاب بتاريخ يوم الخميس هشتم شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۲۳" بعید است این عبارات نگارش حیرت باشد، چرا که ضعف ادبی دارد و کلمات فارسی و عربی بهم آمیخته شده است. احتمالاً کاتب این جملات را افزوده که در نهایت نام و القاب خود را هم آورده است: علیرضا ملقب به ضیاء الابداء در متن فارسی در چاپ بمبئی هندوستان این جمله هم اضافه شده است: "به موجب قانون بیست و پنجم سنه ۱۸۶۷ عیسوی در دفتر رجستری گورغمنت هندوستان ثبت گردید."

### نتیجه‌گیری

هرچند سرجان ملکم، نویسنده تاریخ ایران، شخصیتی سیاسی و نظامی بوده است. اما این به معنای کم ارزش بودن اثر او نیست. به عکس، کتاب ملکم سخت مورد توجه مراکز علمی و سیاسی اروپایی و آسیایی قرار گرفت و به زودی به زبان‌های فرانسوی و فارسی برگردانده شد. از آنجا که مترجم میرزا اسماعیل حیرت اولاً ایرانی و فارسی زبان ثانیاً ادیب و شاعر و ثالثاً سال‌ها مقیم



هندوستان و مسلط به زبان انگلیسی بوده، ترجمه این کتاب به فارسی در مجموع با دقت فراوان و قابل قبول انجام شده است. بنابراین این ادعا که این ترجمه آن چنان مغایر و متفاوت با متن اصلی است که مجدداً "یکی از صاحب منصبان انگلیسی این کتاب را دوباره از فارسی به قالب انگلیسی در آورده است." (مدرسی چهاردهی، ۱۳۳۷، ص ۱۷۵) سخنی ناسنجیده و خلاف واقع است. در بررسی‌های انجام شده هم اثری از ترجمه مجدد صاحب منصب مذکور به دست نیامد.

هرچند در ترجمه حیرت برخی ضعف‌های کوچک افزوده‌های ناچیز دیده می‌شود و حتی می‌توان گفت در برگردان ۱۲۸۲ صفحه متن انگلیسی به فارسی حدود ۳۰ صفحه محذوفات متفرقه به چشم می‌خورد، اما معیارهای مهم یک ترجمه روشمند همچون دقت در انتقال صحیح مفاهیم (حتی از سه زبان انگلیسی و عربی و فارسی به یکدیگر) و معادل‌سازی‌های درست و ادیبانه و ارائه ترجمه‌ای وفادار به متن که نه تحت اللفظی است و نه ترجمه آزاد را دارا می‌باشد. این اثر در مجموع ترجمه‌ای است دقیق و مستحکم و در عین حال زیبا و ادیبانه و موفق در انتقال مفهوم مورد اراده نویسنده با حفظ اصول فنی و ادبی تاریخی تا آنجا که خواننده از آن استشمام ترجمه نمی‌کند. البته به جا خواهد بود که در چاپ و نشر جدید این اثر برخی افتادگی‌ها و اضافات بسیار اندک به گونه‌ای روشمند مورد توجه و تذکر قرار گیرد. همان گونه که خطاهای تاریخی و دیدگاه‌های استعماری نویسنده که در جای جای کتاب دیده می‌شود نیز جای بررسی و نقد عالمانه و مورخانه را دارد.

#### یادداشت‌ها

- ۱- درباره جزئیات این سفر از جمله نگاه کنید به: ویلیام هالینگبری (۱۳۶۳) روزنامه سفر هیأت سرجان ملکم به دربار ایران، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران، کتاب‌سرا.
- ۲- دنیس رایت، (۱۳۶۴)، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ج ۱، ترجمه کریم امامی، تهران، نشر نو، ص ۵۳ رایت در همین جا می‌گوید: «ملکم مدعی بود که آن نشان [شیر و خورشید] برای او ابداع شده است.» نظر خود رایت در این مورد چنین است: «این گفته تا حدی واقعیت داشت.» برای آگاهی بیشتر از صحت و سقم و کیفیت این قضیه به مقاله دیگری از رایت مراجعه شود با عنوان:

Wright, Denis, (۱۹۷۹), sir john Malcolm and the order of the lion and sun in iran, journal of the british institute of Persian studies, vol. ۱۷ pp ۱۳۵۱۴۱.

- ۳- رایت، (۱۳۶۴)، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ص ۱۷۴
- ۴- درباره مارتین و فعالیت‌هایش در ایران نگاه کنید به : عبدالهادی حائری (۱۳۷۲)، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر. صص ۵۴۵-۵۰۷.
- ۵- رایت، همان، صص ۱۴۶-۵
- ۶- محمود محمود، (۱۳۶۲)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، ج ۱، تهران، اقبال، صص ۳۶-۳۳.
- ۷- رایت، همان، ص ۲۰
- ۸- م. ای. یاپ (M.E.yapp) "دو مورخ انگلیسی تاریخنگاری ایران". (۱۳۶۰). تاریخنگاری در ایران (مجموعه مقالات). ترجمه و تدوین یعقوب آژند. تهران. گستره. ص ۱۳۹.
- ۹- همان جا.
- ۱۰- تمامی نقل قول‌های ما در این مقاله از همین چاپ کتاب می‌باشد.
- ۱۱- در این مقدمه که توسط آقایان "مرتضی سیفی قمی تفرشی" و "ابراهیم زندپور" نگارش یافته به تعریف و تمجیدهای غلو آمیز از سرجان ملکم و میرزا اسماعیل حیرت و سیاست‌های دولت بریتانیای کبیر پرداخته شده است.
- ۱۲- آنچه که در اینجا خواهیم آورد، برگرفته و خلاصه‌ای است از مقاله آقای مدرسی چهاردهی در مجله ارمغان (دوره بیست و هفتم، شماره ۴، تیر ماه ۱۳۳۷) تحت عنوان "میرزا اسماعیل حیرت". آقای مدرسی چهاردهی هم منبع نوشته خود را چنین بیان می‌کند: "یکی از شاگردان فاضل میرزای حیرت به نام "قاسم تهرانی" دیوان اشعار خود را با مقدمه مشروحی از شرح احوال و آثار وی در بمبئی به چاپ رسانیده اینک از مقدمه دیوان حیرت شرح احوال وی را اقتباس نموده و به پیشگاه خوانندگان گرامی تقدیم می‌نماید." ص ۱۷۴ از مجله ارمغان.
- ۱۳- ظاهراً این "بررسی" مدت طولانی را هم به خود اختصاص داده است؛ چرا که این ترجمه در سال ۱۳۰۳ هـ ق (یعنی شانزده سال پس از ترجمه آن توسط میرزا حیرت به چاپ رسید)
- ۱۴- همان، صص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۱۵- مشخصات دو ماخذ ما برای این مقایسه چنین است:

متن انگلیسی:

Sir John Malcolm, The history of Persia from the most early period to the present time, Tehran imperial organization for social services, ۱۹۷۶, ۲ volume.

این کتاب از روی نسخه ۱۸۱۵ لندن افست شده و به مناسبت جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی در سال ۱۳۵۵ ش. در یک هزار نسخه منتشر گردیده است (در همین جا لازم می‌دانم از لطف و بزرگواری استاد ارجمند مرحوم دکتر عبدالحسین نوایی که این کتاب را سخاوتمندانه مدتی در اختیارم گذاشتند یاد و تشکر کنم).

متن فارسی: سرجان ملکم، (۱۳۶۲) تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، دنیای کتاب، دو جلد در یک مجلد. این چاپ، افست چاپ سنگی هندوستان، ۱۸۶۷ م می‌باشد.  
۱۶- اعداد داخل پرانتز صفحات هر باب را در دو متن نشان می‌دهد. اعداد سمت چپ که به لاتین نوشته شده مربوط به متن انگلیسی و اعداد سمت راست مربوط به متن فارسی است.

### کتابنامه

#### الف) فارسی

- حائری، عبدالهادی. (۱۳۷۲). نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب. تهران: امیرکبیر.
- رایت، دنیس. (۱۳۶۴). انگلیسی‌ها در میان ایرانیان (کریم امامی، مترجم). تهران: نشر نو.
- محمود، محمود. (۱۳۶۲). تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی. تهران: اقبال.
- مدرسی چهاردهی، مرتضی. (۱۳۳۷). ارمغان، دوره بیست و هفتم، شماره ۴، ۱۷۳-۱۷۹.
- ملکم، سرجان. (۱۳۶۲). تاریخ ایران (میرزا اسماعیل حیرت، مترجم). تهران: دنیای کتاب.
- (۱۳۶۲). تاریخ ایران (میرزا اسماعیل حیرت، مترجم). تهران: فرهنگسرا.
- هالینگبری، ویلیام. (۱۳۶۳). روزنامه سفر هیأت سرجان ملکم به دربار ایران. (امیر هوشنگ امینی، مترجم). تهران: کتاب‌سرا.

یاب، م. ای (yapp, M. E.). (۱۳۶۰). دو مورخ انگلیسی تاریخنگاری ایران. در: یعقوب آژند (تدوین و ترجمه)، تاریخنگاری در ایران (مجموعه مقالات). تهران: گستره.

### ب) انگلیسی

Smith, G. (۱۹۴۸). *The concise dictionary of national biography*. London: Oxford University Press. *Encyclopedia Britannica: Vol. ۱۴* (۱۹۶۱).

Denis, W. (۱۹۷۹). Sir John Malcolm and the order of the lion and sun in Iran. *Journal of the British institute of Persian studies: Vol. ۱۷* (pp.۱۳۵-۱۴۱). *Encyclopedia Britannica: Vol. ۱۴*.

Malcolm, J. (۱۹۷۶). *The history of Persia from the most early period to the present time* (۲ Vols.). Tehran: Imperial organization for social services.

### ج) فرانسوی

Malcolm, Sir John (۱۸۲۱). *Histoire de la Perse depuis les temps les plus anciens jusqu' a' l' époque actuelle* (۴ vol.). paris: pillet Ain e' .